

«مدرسه زندگی: از شعار تا نظریه»
«مدرسه زندگی: از شعار تا نظریه»

هواچی الحکیم

علی ذوعلم

مدرسه‌ی زندگی: از شعار تا نظریه

"مدرسه‌ی زندگی" در چند سال اخیر به عنوان شعار مدرسه‌ی مطلوب و آرمانی، در آموزش و پرورش مطرح شده است. توجه به مدرسه در میان لایه‌های مختلف نظام تعلیم و تربیت، توجه مبارک و درستی است، چرا که اساساً هنگامی که سخن از نهاد تعلیم و تربیت به میان می‌آید، مدرسه است که بستر اساسی و فضای تأثیرگذار تربیتی بر دانش‌آموز به شمار می‌آید و سایر عناصر یا لایه‌های تربیتی و آموزشی، به عنوان پشتیبان یا ابزار و اجزای این عنصر تلقی می‌شوند. به ویژه اگر تربیت و پرورش رویکرد غالب بر آموزش و پرورش شمرده شود، نقش و اهمیت "مدرسه" بیشتر روشن می‌گردد. در دهه‌های گذشته نیز این "مدرسه" بوده است که از طرفی بیش از هر چیز مورد توجه صاحب نظران و مصلحان عرصه‌ی تعلیم و تربیت قرار داشته و عمده‌ی تلاش‌ها و تدابیر تربیتی آنان را به خود جلب می‌کرده و از سوی دیگر تفاوت اهداف و الگوهای مدیریتی و تربیتی و آموزشی مدارس، عامل اصلی در تفاوت برونداد و میزان موفقیت و کارآمدی آنان بوده است.

در میان رویکردهای مختلف دانش‌آموزمحوری، معلم‌محوری، کلاس‌محوری، موضوع‌محوری، کتاب‌محوری و ...، به نظر می‌رسد رویکرد "مدرسه‌محوری" باید اصل تلقی شود و بر خلاف وضعیت موجود که مدرسه از جایگاه و شأن چندانی در میان عناصر و لایه‌های تربیتی و آموزشی برخوردار نیست، باید "مدرسه" به محور اصلی برنامه‌ریزی‌ها و عرصه‌ی اساسی نفوذ و تحقق اهداف مورد نظر در تعلیم و تربیت تبدیل گردد.

نخستین پیام "مدرسه‌ی زندگی"، توجه به مدرسه‌محوری است و ارتقاء جایگاه و نقش "مدرسه" در نظام تعلیم و تربیت. پیش از این نیز با طرح شعارهایی از قبیل "مدرسه‌ی سبز" یا "مدرسه‌ی مطلوب" رویکرد مدرسه‌محوری مورد توجه قرار گرفته است. ولی "مدرسه‌ی زندگی" فراتر از یک شعار، با برخورداری از پشتوانه‌ی نظری عمیق و برخاسته از بنیادی‌ترین مفاهیم و

مبانی تعلیم و تربیت اسلامی، می‌تواند به یک "نظریه" تبدیل شود و نگاه متولیان تعلیم و تربیت و نیز آحاد جامعه را نسبت به مدرسه اصلاح کند و ارتقا بخشد.

برای برنامه‌ی درسی ملی و سایر خرده نظام‌های آموزش و پرورش، مبانی نظری و چشم‌انداز مدرسه‌ی زندگی می‌تواند به عنوان یک رویکرد، جهت‌گیری‌های اساسی آموزش و پرورش را تعیین نماید و متناسب با انتظارات و ویژگی‌های آن، عناصر مختلف نظام برنامه‌ریزی درسی و آموزشی را رقم بزند. در حقیقت "مدرسه" یکی از مخاطبان اصلی برنامه‌ی درسی ملی - و هر برنامه و طرح اساسی و تحول آفرین در آموزش و پرورش - به شمار می‌آید و بنابراین جایگاه و نقش آن در عناصر این برنامه باید لحاظ شده باشد.

مدرسه، تنها یک فضای فیزیکی نیست که مکان برگزاری کلاس درس، آزمایشگاه، کارگاه و ... است و جمعی از معلمان و دانش‌آموزان را در خود جای می‌دهد، بلکه باید به مثابه نهادی تربیتی و آموزشی و بستر رشد و شکوفایی همه‌ی عناصر انسانی دست‌اندرکار تلقی شود.

زندگی نیز تنها به زیست طبیعی یا زیست اجتماعی محدود نمی‌شود، بلکه زیست معنوی و جاودانه را نیز شامل می‌گردد که البته بریده از زیست طبیعی و اجتماعی نمی‌باشد و زندگی طبیعی انسان را نیز تحت تأثیر خود قرار می‌دهد و به عنوان هدف غایی تعلیم و تربیت، در فرایند تربیت شکل می‌گیرد و زمینه‌ساز دستیابی به حیات طیبه برای فراگیران و متریان می‌گردد.

"مدرسه‌ی زندگی" نهادی زنده، پویا و تعالی‌یابنده است که همه‌ی عناصر انسانی آن در تعامل خلاق و فعال با یکدیگر، در مسیر حیات طیبه و به سوی **رشد فکری، ایمانی، علمی، عملی و اخلاقی** در حرکت و مجاهدت می‌باشند.

در این دیدگاه، مدرسه همچون خانواده یک نهاد است و اساساً مصداق و تبلور عینی نهاد تعلیم و تربیت رسمی شمرده می‌شود. **مدرسه**، نه خانه‌ی دوم دانش‌آموزان، که **خانواده‌ی دوم** آنان است. همانگونه که عنصر اصلی و محوری خانواده و شاخص اصلی کارکرد صحیح و مطلوب آن وابسته به وضعیت فیزیکی یا حقوقی و جغرافیایی "خانه" نیست، شاخص اصلی کارکرد صحیح یک مدرسه هم، وضعیت فیزیکی و فضای کالبدی مدرسه نمی‌باشد، بلکه مجموعه‌ی اصول و روابط، فرایندها و هنجارهایی که به گونه‌ای عینی و اثرگذار، همه‌ی عوامل انسانی مرتبط با این نهاد را تحت تأثیر تربیتی و آموزشی خود قرار می‌دهد، شاخص اصلی است. مدرسه‌ی زندگی، سازمان تربیتی‌ای است که نه تنها دانش‌آموزان را برای زندگی پاک و متعالی توانمند و

آماده می‌سازد، بلکه بستر حیات معقول و مطلوب را برای مربیان و معلمان و نیز اولیای دانش‌آموزان فراهم می‌سازد.

در مدرسه‌ی زندگی، نشاط، تفکر، خلاقیت، ایمان، مهرورزی، آزادی، سلامت، نوآوری، اخلاق، آداب، مهارت‌ها، بصیرت سیاسی و اجتماعی، توانمندی، کارآفرینی، همکاری و تعاون، پیشرفت، نظم، هویت ملی، مبارزه با باطل، مجاهدت در راه حق، مشارکت جویی، یادگیرندگی، و ... عناصری است که در عینیت اهداف، برنامه‌ها و روابط فی مابین عوامل انسانی آن تحقق یافته است.

پیشینه‌ی تطبیقی موضوع :

همان‌گونه که اشاره شد، در ایران اصطلاح "مدرسه محوری" از دهه‌ی قبل مطرح شده است ولی در نظام‌های آموزشی جهان بیش از دو دهه از طرح اصطلاح "مدیریت مدرسه محور" می‌گذرد^۱. به نظر می‌رسد اصطلاح "مدرسه محوری" ناشی از انتقال تجارب برخی کشورها در اصلاح نظام آموزشی خود مبتنی بر "مدیریت مدرسه محور" بوده است. آنچه در این رویکرد، محور اساسی است، واگذاری اختیارات بیش‌تر به مدارس همراه با مسئولیت و پاسخ‌گویی در جهت ارتقاء کیفیت آموزشی است. یکی از اساسی‌ترین کاربردهای "م.م.م"^۲، در ایالت ویکتوریای استرالیا رخ داده است که البته این رویکرد به سوی "مدارس آینده" تحول یافت و کانون اصلی اصلاحات آموزشی را متوجه مدارس ساخت. تجربه‌ی آموزشی این ایالت به عنوان مستند تطبیقی نظریه‌ی "مدرسه‌ی زندگی" بسیار مفید است، ولی باید توجه داشت که مبانی نظری و انگیزه‌های این دو، کاملاً متفاوت است.

ایجاد و گسترش "م.م.م" عمدتاً ناظر به یک رویکرد مدیریتی و برای تمرکز زدایی است، اگرچه ارتقای کیفیت آموزشی از طریق تأمین مشارکت معلمان و خانواده‌ها و مقامات محلی را نیز مد نظر قرار داده است. ولی در نظریه‌ی "مدرسه‌ی زندگی" مبانی نظری موضوع، فراتر از این حد بوده و کارکرد اصلی مدرسه را به عنوان اصلی‌ترین و کارآمدترین لایه‌ی تعلیم و تربیت رسمی، احیاء و ارتقای شاخص‌های حیات مطلوب در دانش‌آموزان می‌داند و نه تنها برای اصلاح روش مدیریتی مدارس، که اساساً برای تحول عمیق در نگاهی که به تعلیم و تربیت باید وجود داشته باشد مطرح می‌گردد. هدف اساسی در "م.م.م"، تمرکز زدایی در برنامه‌ریزی، فناوری، قدرت، منابع انسانی، پشتیبانی و ... است^۳، که طبعاً استفاده از تجارب موجود می‌تواند در تدوین

راهکارها و روش‌های تحقق نظریه‌ی "مدرسه‌ی زندگی" به کار گرفته شود، ولی نباید "مدرسه‌ی زندگی" را در حدّ گرده‌برداری و اقتباس از "م.م.م" فروکاست.

مطالعات موردی "م.م.م" و بررسی الگوها و سطوح مختلف تمرکز زدایی در نظام‌های آموزشی مختلف، می‌تواند روش‌ها و راهکارهای متنوعی را متناسب با شرایط محیطی و انسانی برای پیاده کردن نظریه‌ی "مدرسه‌ی زندگی" پیش روی نظام آموزشی ما قرار دهد، ولی نباید مبانی نظری و چارچوب مفهومی آن را در سطح مبانی و انگیزه‌های "م.م.م" تنزّل دهد. بنابراین نظریه‌ی "مدرسه‌ی زندگی" به عنوان دیدگاهی مبتنی بر فلسفه‌ی توحیدی و اسلامی حیات و برخاسته از مبانی و اصول هستی‌شناسی و انسان‌شناسی اسلامی، قابل ارائه است، نه صرفاً به عنوان نمونه‌ای از "م.م.م".

هم‌چنین نباید نظریه‌ی "مدرسه‌ی زندگی" را در راستای نظریه‌ی "برنامه‌ریزی درسی مدرسه محور" تلقی کرد^۴، زیرا اگر چه در "مدرسه‌ی زندگی" نقش و اختیار قابل توجهی برای معلمان، مدیران و حتی دانش‌آموزان و خانواده‌ها در تعیین اهداف جزئی و فعالیت‌های یاددهی - یادگیری پیش‌بینی می‌شود، ولی هدایت دستگاه تعلیم و تربیت و طراحی کلان برنامه‌ی درسی توسط کارشناسان و صاحب‌نظران با اقتدار و نظارت جدی وجود خواهد داشت و به خصوص در عنصر "اهداف کلی"، تصمیم‌گیران محلی و مدیریت مدرسه از اهداف مصوب پیروی خواهند کرد. تشابه "مدرسه‌ی زندگی" در عنصر برنامه‌ریزی درسی و تربیتی با نظریه‌ی "برنامه‌ریزی درسی مدرسه محور" و استفاده از تجارب اینگونه مدارس در برخی کشورهای جهان، نباید موجب نادیده گرفتن تفاوت‌های آشکار در مبانی نظری این دو نظریه گردد، ضمن این که باید بر استفاده از این تجارب در حداکثر ممکن و با رعایت اقتضائات و شرایط تأکید شود.

زندگی از منظر اسلام:

زندگی و حیات از دیدگاه منابع دینی، اساسی‌ترین و محوری‌ترین ویژگی موجودات است و دارای درجات و مراتب مختلفی است. حیات مطلق، کامل و مستقل که منزّه از هر کاستی و نقصی است و از ازلیت و ابدیت ذاتی برخوردار است، تنها از آن خداوند متعال می‌باشد: **اللّٰهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْحَيُّ الْقَيُّومُ**^۵. حیات و زندگی سرچشمه‌ی همه‌ی ویژگی‌های متعالی از قبیل دانش، قدرت و اراده است که هر موجودی متناسب با میزان برخوردارگی از حیات، از این ویژگی‌ها هم برخوردار می‌باشد. منشأ و مبدأ زندگی هر موجودی و در هر مرتبه‌ای، خداوند متعال است که او حیات بخش حقیقی است و حیات همه‌ی موجودات به اراده‌ی او وابسته است. از دیدگاه قرآن کریم، هر موجودی متناسب با مرتبه‌ی وجودی خود از مرتبه‌ای از حیات برخوردار است، چرا که "و ان من شيء الا يسبح بحمده و لكن لا تفقهون تسبيحهم"^۶: هیچ چیزی نیست مگر این که با حمد و سپاس، در حال تسبیح و تنزیه خداوند متعال است ولی شما تسبیح آنان را در نمی‌یابید. اساساً هستی مساوی با زندگی است و همه‌ی موجودات از مرتبه‌ای از زندگی هر چند نازل برخوردارند، اگرچه آثار آن برای ما آدمیان با هیچ ابزار تجربی و مادی مشهود و قابل درک نباشد. بنابراین طبقه‌بندی موجودات به دو بخش جاندار و بی جان، ناشی از قصور درک و آگاهی ما است نه مبتنی بر واقعیت هستی. در عین حال مراتب حیات از نازل‌ترین سطح آن که حیات جمادات است تا برترین سطح آن که حیات کامل، ذاتی و مطلق الهی است، مراتبی متکثر و غیر قابل شمارش می‌باشد. در این میان، انسان به عنوان خلیفه الله و برخوردار از فطرت الهی، اگر چه زندگی خود را از نازل‌ترین مرتبه آغاز می‌کند ولی با برخوردارگی از فطرت و نفخه‌ی الهی و آگاهی و اراده‌ی خود و متناسب با تلاش و مجاهدت همه جانبه‌ی خویش، ارتقاء وجودی و تعالی حیات و زندگی خود را رقم می‌زند و می‌تواند به حد بالاترین سطح حیات - که زندگی انسان کامل است - دست یازد.

از جمادی مردم و نامی شدم	و از نما مردم به حیوان بر زدم
مردم از حیوانی و آدم شدم	پس چه ترسم کی ز مردن کم شدم
حمله دیگر بمیرم از بشر	تا بر آرم از ملائک پر و سر
بار دیگر از ملک قربان شوم	آنچه اندر وهم ناید آن شوم ^۷

از نگاه قرآن کریم و با یک طبقه‌بندی کلان، حیات دارای دو سطح زندگی طبیعی و زندگی متعالی است. انسان در سطح حیات طبیعی و حیوانی با سایر موجودات مشترک است و با تعلیم و تربیت می‌تواند خود را به سطح حیات معقول و متعالی برکشد. اساساً فلسفه‌ی اصلی آموزش و پرورش تعمیق حیات و برخورداری از مراتب بالاتر و والاتر زندگی است: یا ایها الذین آمنوا استجبوا لله و للرسول اذا دعاکم لما یحییکم^۸: ای کسانی که ایمان آورده‌اید، به خدا و پیامبر پاسخ مثبت دهید، آنگاه که شما را به چیزی فرا می‌خوانند که شما را زندگی می‌بخشد. زندگی حقیقی و انسانی، در گرو پذیرفتن دعوت خدا و پیامبر (ص) است که خطوط اصلی مسیر متعالی را ترسیم می‌کنند و «تعلیم و تربیت، زندگی بخشیدن به یک انسان است»^۹ دست‌یابی به زندگی پاک که در عرصه‌های فردی و خانوادگی و اجتماعی می‌تواند ظهور یابد، ناشی از ایمان و عمل صالح است که دو عنصر اساسی از اهداف متعالی تربیتی است: "و من عمل صالحاً من ذکر او اثنی و هو مؤمن فلنحیینه حیوة طيبة و لنجزینهم اجرهم باحسن ما کانوا یعملون"^{۱۰}: و هر کسی از مرد و زن که کار شایسته انجام دهد و مؤمن باشد، قطعاً ما او را به حیات پاک، زندگی می‌بخشیم و پاداش آنان را به بهترین کارهایی که انجام داده‌اند، عطا می‌کنیم.

بنابراین "زندگی" نتیجه و حاصل تربیت صحیح و الهی است که تنها ناظر به زندگی طبیعی و اجتماعی نمی‌باشد، اگرچه قطعاً دستیابی به حیات جاودانه و معنوی، بدون تلاش و کوشش در عرصه‌ی عالم طبیعت، تحقق نمی‌یابد.

البته در فرهنگ قرآنی، "دنیا" غیر از "زندگی دنیوی" است. دنیا مرتبه‌ای از حیات و عرصه‌ای از زندگی است که انسان در آن از مواهب و نعمت‌های الهی برخوردار است و برای رسیدن به کمال و رشد، ناگزیر از استفاده از آن می‌باشد اما زندگی دنیوی، پست‌ترین مراتب حیات شمرده می‌شود که اگرچه مظاهر گذارا و سطحی از حیات در آن دیده می‌شود ولی موجب غفلت از زندگی برتر و جاودانه می‌گردد و با سرگرمی‌های خود مانع رشد و تعالی انسان می‌شود: "اعلموا انما الحیوة الدنیا لعب و لهو و زینة و تفاخر بینکم و تکاثر فی الاموال و الاولاد ... و ما الحیوة الدنیا الا متاع الغرور"^{۱۱}: بدانید که حقیقت زندگی دنیوی بازیچه‌ای است و لهو و بیهودگی و آرایش و فخر فروشی و زیاده‌طلبی در دارایی و فرزند ... و زندگی دنیوی جز متاع فریب چیزی نیست. درک عمیق معنای زندگی و فلسفه‌ی حیات در منابع و مبانی اسلامی، پشتوانه‌ی نظری "مدرسه‌ی زندگی" را تبیین می‌کند و کارکرد تعلیم و تربیت را از آماده‌سازی فراگیران برای زندگی طبیعی

و اجتماعی به افق‌های برتر و بالاتر ارتقاء می‌دهد و علی‌رغم نگرش‌های سکولاریستی حاکم و جاری در اهداف سطحی تعلیم و تربیت، به نگرش توحیدی و آخرت‌گرایانه نزدیک می‌شود.^{۱۲}

"مدرسه‌ی زندگی" به عنوان یک نظریه، رسالت فضای آموزشی و نهاد تربیتی را به فلسفه‌ی حیات از منظر اسلام مرتبط می‌سازد و بدون غفلت از نیازهای طبیعی و اجتماعی و با لحاظ ظرفیت‌ها و مراحل رشد طبیعی متریان، چشم‌اندازی متعالی از مدرسه را ترسیم می‌نماید.

در این مدرسه، دستیابی به درک عمیق از حیات و فلسفه‌ی آن، خود مهم‌ترین هدفی است که باید مد نظر باشد.

تفسیر زندگی به گونه‌ای که در نگرش امام امیر المؤمنین علی بن ابیطالب (ع) تبیین می‌شود که: *فالموت فی حیاتکم مقهورین و الحیاة فی موتکم قاهرین*^{۱۳}: "مرگ شما در زندگی توأم با شکست است و زندگی شما در مرگ پیروزمنده است"، در تربیت اجتماعی و سیاسی دانش‌آموزان و آماده‌سازی آنان برای دفاع از ارزش‌های اصیل زندگی حقیقی نقش برجسته‌ای خواهد داشت.

بنابراین تفسیر "زندگی" در این نگرش، هرگز در زندگی طبیعی، دنیوی و محدود به زیست طبیعی انسان، منحصر نمی‌شود بلکه ضمن توجه به اقتضائات، نیازها و توانمندی‌های لازم برای یک زندگی سالم، انسانی و شرافتمندانه، افق دید را به فراتر از زندگی طبیعی ارتقاء می‌بخشد و تأمین و به‌سازی حیات جاودان و معنوی را نیز در دایره‌ی اهداف مدرسه‌ی زندگی قرار می‌دهد.

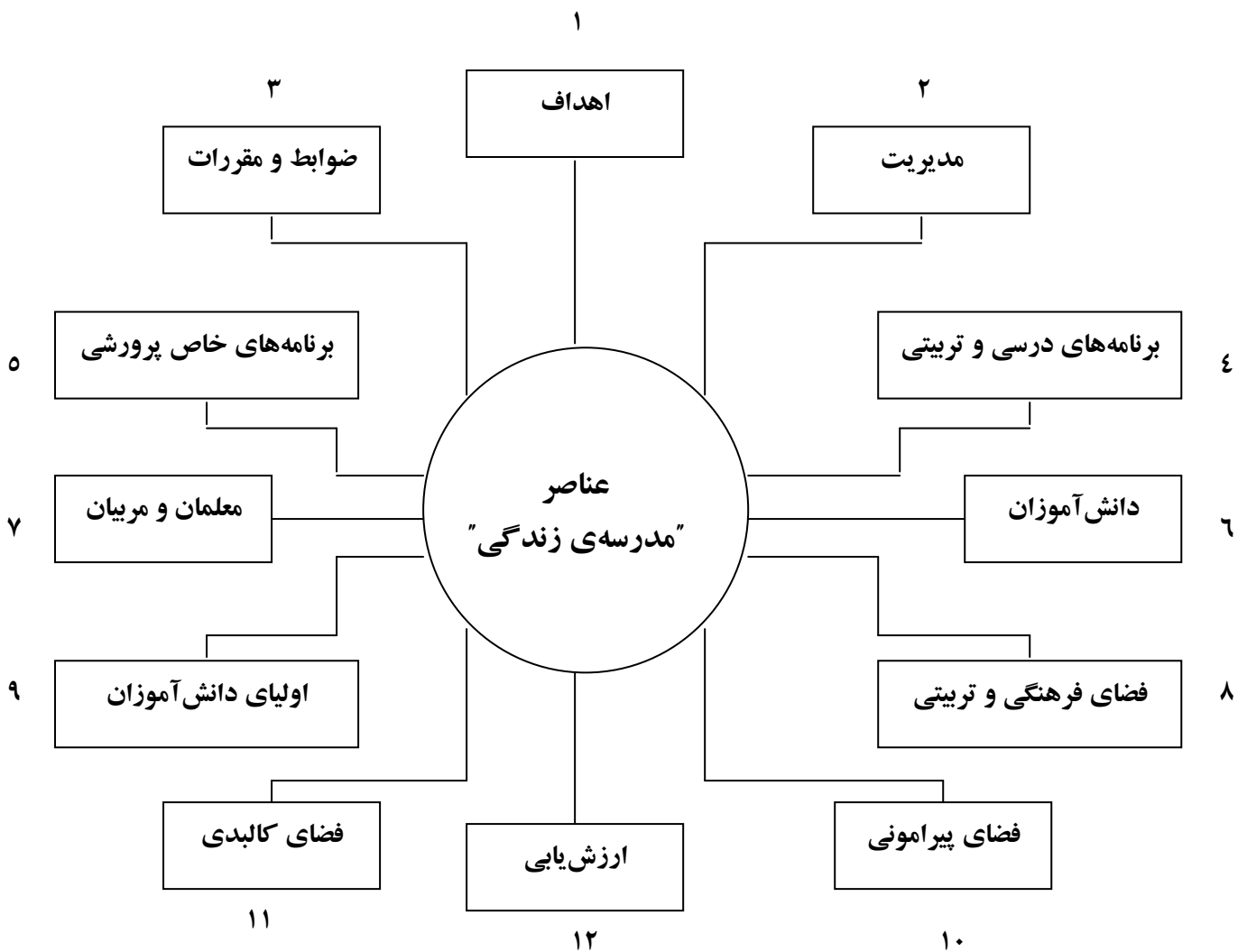
در این نگاه، سبک زندگی مطلوب، نه سبک زندگی رایج و مصرف‌گرایانه، که سبک زندگی انسان‌های والا و الگوهای عینی تربیت الهی و توحیدی است، که: *اللَّهُمَّ اجْعَلْ مَحْيَايَ مَحْيَا مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ*^{۱۴}: پروردگارا! سبک زندگی مرا، سبک زندگی محمد (ص) و آل محمد (ص) قرار بده.

رسالت غایی نظام تعلیم و تربیت در جامعه‌ی اسلامی، تحقق "مدرسه‌ی زندگی" با این مبنای نظری است.

چشم‌انداز مدرسه‌ی زندگی:

علائم و شاخص‌های حیاتی یک موجود زنده به سطح حیات آن بستگی دارد و هرچه سطح زندگی، برتر ترسیم شود، این علائم و شاخص‌ها افزون‌تر می‌گردد. اگر "مدرسه‌ی زندگی"، نهاد زنده و پویایی است که تحقق غایت هستی انسان را زمینه‌سازی می‌کند و بستر لازم را برای آمادگی متربی در جهت دستیابی به حیات طیبه رقم می‌زند، در این صورت عناصر مورد توجه در این مدرسه، بسیار فراتر از عناصری است که برای مدارس رایج در نظر گرفته می‌شود.

برای ترسیم ویژگی‌های مدرسه‌ی زندگی، ابتدا باید عناصر اصلی و محوری آن را تعیین کرد و سپس خصوصیات هر عنصر را برشمرد. عناصر اصلی "مدرسه‌ی زندگی" در ۱۲ عنصر ذیل دسته‌بندی شده که در مدارس فعلی بسیاری از این عناصر مورد غفلت قرار گرفته و تنها چند عنصر از این عناصر، مهم تلقی می‌گردد و البته گام نخست برای دستیابی به "مدرسه‌ی زندگی"، ارتقای درک از مدرسه در دست‌اندرکاران و نیز در کل جامعه، متناسب با این عناصر است:



این عناصر اگرچه بعضاً بر حسب اولویت رتبی یا زمانی ذکر شده ولی لزوماً این ترتیب برای همه‌ی عناصر معنی دار نیست.

۱. اهداف:

- مهم‌ترین عنصر در "مدرسه‌ی زندگی"، هدف مدرسه است که تنها در آماده کردن دانش‌آموزان برای زندگی طبیعی و اجتماعی، محدود نمی‌شود و به حیات طیبه کاملاً توجه داشته همه‌ی عناصر و ابزارها را در آن مسیر تعریف و هدایت می‌کند.
- در مدرسه‌ی زندگی، اهداف مشخص و شفافی برای مدرسه و برای هر دوره‌ی زمانی تعیین می‌شود. البته این اهداف در چارچوب اهداف کلی نظام تعلیم و تربیت ترسیم می‌گردد ولی نیازها و شرایط و اولویت‌های خاص مدرسه، در تعیین این اهداف مؤثر است.
- اهداف مدرسه قابل ارزش‌یابی، قابل تحقق و شناخته شده برای همه‌ی دست‌اندرکاران است.
- در آغاز هر سال تحصیلی اهداف جزئی (کیفی و کمی) مدرسه در جمع معلمان، خانواده‌ها و دانش‌آموزان تبیین و تکمیل و اصلاح می‌شود.
- همه‌ی عوامل مدرسه، در عین حال که عامل تحقق اهداف‌اند، خود نیز هدف می‌باشند. بدین معنی که در مدرسه‌ی زندگی، تنها رشد و ارتقای دانش‌آموزان هدف نیست بلکه رشد و تعالی همه‌ی دست‌اندرکاران نیز هدف شمرده می‌شود.
- در تعیین اهداف مدرسه، ارزش‌یابی‌ها و تجارب پیشین و نیز امکانات و محدودیت‌های مدرسه لحاظ می‌شود و حدّ مورد نظر از شایستگی‌های مورد انتظار و اهداف کلی - که در تعریف مدرسه‌ی زندگی اشاره شد - تعیین می‌گردد.

..... -

..... -

۲. مدیریت:

- در مدرسه‌ی زندگی، ارتباط مدیریت با مدرسه ارتباطی عاطفی و معنوی و همراه با تعلق خاطر تربیتی است و صرفاً در پیوندهای اداری و رسمی خلاصه نمی‌شود.

- مدیر مدرسه، رهبری تربیتی و آموزشی مدرسه را بر عهده دارد و این رهبری، تا حد ولایت تربیتی می‌تواند ارتقاء یابد.
- مدیریت مدرسه، از جنس مدیریت تربیتی است نه مدیریت انتظامی، اجرائی، خدماتی، اداری و پشتیبانی، و نه حتی صرفاً مدیریت آموزشی.
- مدیر مدرسه، رهبری فکری و هدایت و کمک به ارتقاء و رشد همه‌ی عناصر مدرسه را وظیفه‌ی خود می‌داند.
- مدیر مدرسه از برتری تربیتی، اخلاقی و علمی برخوردار است و بنابراین مقبولیت عمومی دارد.
- مدیر مدرسه دارای اختیارات کافی و حداکثری همراه با پاسخ‌گویی و مسئولیت متناسب با اختیارات می‌باشد.
- در مدرسه‌ی زندگی، مدیریت کلان مدرسه به صورت مدیریت مستقل هیأت امنایی و شورایی و در چارچوب ضوابط خاص می‌باشد.

..... -

..... -

۳. ضوابط و مقررات:

- مدرسه به عنوان واحد مستقل فرهنگی و تربیتی و آموزشی، ضوابط و مقررات مالی، اداری، استخدامی، خدماتی، انضباطی، ... خود را در چارچوب ضوابط کلی و در مسیر تحقق اهداف، خود تعیین می‌کند. بنابراین مدرسه خود پاسخ‌گوی برنامه‌ریزی‌ها و بروندهای خود می‌باشد.
- مدرسه ضمن برخورداری از پشتیبانی کافی مالی از دولت، اختیارات کافی را نیز در چارچوب تعریف شده، در تأمین منابع مالی و انسانی خود دارا می‌باشد.
- ضوابط و مقررات با مشورت طرف‌های ذی‌ربط یا ذی‌نفع و به‌گونه‌ای شفاف تعیین می‌شود.
- همه از ضوابط مربوط به خود آگاهی دارند.
- روح تربیتی بر ضوابط حاکم است.
- سهولت و سرعت در تعیین ضوابط رعایت می‌شود.

- همه‌ی عوامل مدرسه به خصوص معلمان و دانش‌آموزان، خود را در اجرای صحیح ضوابط مسئول و شریک می‌دانند.

..... -

..... -

۴. برنامه‌های درسی و تربیتی:

- برنامه‌های درسی و تربیتی مدرسه‌ی زندگی، ناظر به نیازهای عینی دانش‌آموزان و در جهت دستیابی آنان به مراتب مقدور از "حیات طیبه" است.

- در مدرسه‌ی زندگی برنامه‌های درسی و تربیتی، فکر محور، خلاق، نوآورانه، پژوهش محور و همراه با نشاط و جذابیت برای معلمان، مربیان و دانش‌آموزان است.

- رابطه‌ی مشخص و تعریف‌شده‌ای بین اهداف کلی و جزئی مدرسه با برنامه‌های درسی و تربیتی برقرار می‌باشد.

- مدرسه‌ی زندگی، خود در تولید و تدوین برنامه‌های درسی و تربیتی شریک و دخیل است و برنامه‌های تعیین شده به گونه‌ای انعطاف‌پذیر است که در چارچوب اهداف مصوب و روش‌های مؤثر بتواند نیازهای دانش‌آموزان را تأمین نماید.

- مدرسه‌ی زندگی خود در انتخاب مواد آموزشی و تربیتی به گونه‌ای روش‌مند نقش دارد و می‌تواند در بخشی از محتوای آموزشی، خود تولید کننده هم باشد، نه مصرف کننده‌ی صرف.

- نیازهای خاص دانش‌آموزان مدرسه، در برنامه‌ها قابل پیش‌بینی و تأمین است.

..... -

..... -

۵. برنامه‌های خاص پرورشی:

- در مدرسه‌ی زندگی اگرچه اهداف تربیتی در همه‌ی برنامه‌ها و فعالیت‌های درسی و پرورشی جریان دارد، ولی برای سامان‌دهی و برنامه‌ریزی فعالیت‌های خاص پرورشی نیز سامان و تدابیر خاص وجود دارد.

- برنامه‌ها و فعالیت‌های پرورشی نه در حاشیه، که بخشی از برنامه‌ی رسمی و اصلی را تشکیل می‌دهد.

- این برنامه‌ها دانش‌آموزان را با محیط زندگی واقعی خود آشنا و آنان را برای ایفای نقش فعال در زندگی آینده‌ی خود آماده می‌سازد.
- آداب و مهارت‌های زندگی را در رفتار واقعی و طبیعی دانش‌آموزان شکل می‌دهد.
- اقامه‌ی نماز، انس با قرآن و پرورش روحیه‌ی انفاق و تعاون مورد توجه خاص قرار می‌گیرد. [یتلوا علیهم آیاته ... / یقیمون الصلاة و یؤتون الزکاة]
- انجمن‌ها، کانون‌ها و تشکل‌های متنوع دانش‌آموزان بستر اصلی فعالیت‌های پرورشی است.
- خدمات مشاوره‌ی تربیتی و اخلاقی به گونه‌ای اثرگذار و گسترده در اختیار دانش‌آموزان است.
- برنامه‌های تأمین سلامت جسمی و روحی و نیز فعالیت‌های تربیت بدنی مهم شمرده می‌شود.

..... -
 -

۶. دانش‌آموزان:

- در مدرسه‌ی زندگی، دانش‌آموزان خود را عنصر مؤثر و فعال مدرسه می‌دانند.
 - حضور در مدرسه را قسمتی لذت بخش از زندگی خود می‌یابند.
 - مشارکت و تلاش در امور مدرسه را وظیفه‌ی خود می‌شمارند.
 - دانش‌آموزان مدرسه‌ی زندگی، خود یادگیرنده‌اند و از یادگیری و تلاش علمی و تربیتی لذت می‌برند.
 - معلمان و مربیان را پدر معنوی خود می‌دانند و آنان را دوست دارند.
 - خلاق، پژوهنده، نقاد و مولد دانش‌اند.
 - عنصر فعال و مسئولیت پذیر در تشکل‌ها و فعالیت‌های گروهی می‌باشند.
 - اصلاح و ارتقای دائمی محیط مدرسه را تکلیف خود می‌دانند.
 - درب مدرسه را همیشه به روی خود باز می‌بینند و آن را خانه‌ی فرهنگی و علمی خود می‌شناسند.
- -

..... -

۷. مربیان و معلمان:

- در مدرسه‌ی زندگی معلمان و مربیان رهبری آموزشی و تربیتی دانش‌آموزان را بر عهده دارند.
- خود یادگیرنده و در مسیر خودسازی و رشد و تعالی مستمر قرار دارند.
- دانش‌آموزان را به عنوان فرزندان معنوی خود دوست دارند و به آنان عشق می‌ورزند.
- با اولیای دانش‌آموزان ارتباطی فعال و صمیمی دارند.
- تعلیم و تربیت را رسالت الهی خود و مدرسه را معبد و محیط مقدس می‌شمارند.
- در برنامه‌ریزی‌های درسی و تربیتی حضور و مشارکت فعال دارند.
- با سایر مربیان و معلمان در فعالیت‌های خود مشورت می‌کنند.
- از هرگونه نوآوری و مواد و فناوری‌های جدید آموزشی استقبال می‌کنند و آن را فرا می‌گیرند.

..... -

..... -

۸. فضای فرهنگی و تربیتی:

- فضای مدرسه‌ی زندگی، نمونه‌ای از جامعه‌ی اخلاقی است.
- همه‌ی اعضای مدرسه احترام و کمک به یکدیگر را وظیفه‌ی خود می‌دانند.
- مشورت و مشارکت در همه‌ی فعالیت‌های مدرسه حاکم است و نقادی و نقدپذیری روحیه‌ی رایج در مدرسه است.
- حقوق متقابل اعضای مدرسه رعایت می‌شود.
- همه خود را برای اظهار نظر و پرسش و پاسخ آزاد می‌دانند.

..... -

..... -

۹. خانواده‌ی (اولیای) دانش‌آموزان:

- در مدرسه‌ی زندگی، اولیای دانش‌آموزان خود را عضو مدرسه و همکار مربیان و معلمان می‌دانند.
- بخشی از اهداف مدرسه به گونه‌ای نظام‌مند از طریق اولیاء دانش‌آموزان تحقق می‌یابد.

- اولیای دانش‌آموزان، حمایت و پشتیبانی از مدرسه را همچون رسیدگی به خانواده‌ی خود تلقی می‌کنند.
- در مدیریت و فعالیت‌های مدرسه، مشارکت فعال دارند.
- در برنامه‌های درسی و تربیتی، مشارکت و حضور فعال دارند.
- مدرسه را نه فقط مدرسه‌ی فرزندشان، که مدرسه‌ی خود و مرکز رشد و ارتقای علمی و اخلاقی خود نیز می‌دانند.

..... -

..... -

۱۰. فضای پیرامونی:

- مدرسه‌ی زندگی، نهادی پویا و مرتبط با محیط واقعی زندگی در منطقه و محله‌ی خود به شمار می‌آید.
- مرکزی فعال و در تعامل با محیط پیرامونی خود می‌باشد.
- با نهادها و مراکز فرهنگی، مذهبی، بهداشتی، خدماتی، اداری، صنعتی، تجاری، انتظامی، اجتماعی، اقتصادی، علمی و ... پیرامون خود روابط و همکاری متقابل دارد و از همه‌ی آنان برای تربیت دانش‌آموزان استفاده می‌کند.
- با شخصیت‌های اجتماعی، علمی و مذهبی محله و منطقه مرتبط است و از نظر و حضور همه‌ی این عناصر برای تحقق برنامه‌های خود استفاده می‌کند.
- برای محیط پیرامون خود آشنا است و مورد احترام و محبت محله و منطقه می‌باشد.
- علاوه بر نقش رسمی خود به عنوان مرکز فرهنگی فعال منطقه شناخته می‌شود و فعالیت می‌کند.

..... -

..... -

۱۱. فضای کالبدی:

- محیط درونی و فیزیکی مدرسه‌ی زندگی، منظم، پاکیزه و با نشاط است.
- همه‌ی اعضای مدرسه و به خصوص دانش‌آموزان در اداره و بهبود وضعیت آن نقش دارند.

- توزیع فضاهای آموزشی، به گونه‌ای جذاب و مؤثر و با رعایت شیوه‌های نوین آموزشی سامان‌دهی شده است.
- دارای مکان مناسب برای مطالعه، پژوهش و استراحت معلمان و دانش‌آموزان (حتی المقذور) می‌باشد.
- تعطیل ناپذیر است.
- مورد بهره‌برداری بهینه و حداکثری است و با رعایت شأن مدرسه، در ساعات غیر رسمی نیز برای فعالیت‌های مختلف مورد بهره‌برداری قرار می‌گیرد.
- دانش‌آموزان آن را خانه‌ی خود می‌دانند.

..... -
 -

۱۲. ارزش‌یابی:

- در مدرسه‌ی زندگی همه‌ی عناصر با معیارهای جامع، شفاف و منصفانه و متناسب با اهداف کلی تعلیم و تربیت و برای ارتقاء وضع موجود، مورد ارزش‌یابی قرار می‌گیرند.
- همه‌ی عناصر انسانی مدرسه در ارزش‌یابی به گونه‌ای روشمند و تعریف شده، دخالت دارند.
- نتایج ارزش‌یابی به بررسی و بحث و تحلیل نهاده می‌شود.
- هر کسی با شرایط خودش سنجیده می‌شود.
- حداقل‌ها و حداکثرها برای طیف‌های مختلف، متفاوت است.
- نتایج ارزش‌یابی برای اصلاح و بهبود وضعیت مورد استفاده قرار می‌گیرد.
- ارزش‌یابی نه برای مؤاخذة و کنترل که برای تعالی و اصلاح است.
- اهداف جزئی تعیین شده در پایان هر دوره به دقت ارزش‌یابی شده و برای هدف‌گذاری دوره‌ی بعد مورد استفاده قرار می‌گیرد.

..... -
 -

چند نکته‌ی پایانی:

- چشم‌انداز مدرسه‌ی زندگی با توجه به پشتوانه‌ی نظری آن که زمینه‌سازی برای تحقق مراتب متعالی حیات طیبه را هدف غایی مدرسه می‌داند، باید در ساختار کلان دستگاه تعلیم و تربیت به رسمیت شناخته شود و در برنامه‌ریزی‌های کلان جایگاه و شأن خود را بازیابد. به نظر می‌رسد تحول بنیادین در آموزش و پرورش بدون توجه به نقش و شأن مدرسه با رویکردی که در نظریه‌ی "مدرسه‌ی زندگی" مطرح شد، نمی‌تواند تحقق یابد، از این رومسئولان ارشد و سیاست‌گذاران و برنامه‌ریزان و کارشناسان ستادی و صفی آموزش و پرورش باید این امر را دریابند و به لوازم آن پایبند باشند.

- گام برداشتن به سوی تحقق مدرسه‌ی زندگی، مستلزم به کارگیری توانمندترین و نخبه‌ترین نیروهای آموزش و پرورش در منصب و جایگاه مدیریت مدرسه است، حال آن‌که به نظر می‌رسد در ساز و کارهای کنونی آموزش و پرورش، زمینه‌های لازم برای جذب و به کارگیری نیروهای توانمند، نخبه و متعهد برای مدیریت واحدهای آموزشی فراهم نیست. باید کاری کرد که بهترین و برجسته‌ترین نیروهای آموزش و پرورش مدیریت مدرسه را بپذیرند و این، بدون رها سازی دستگاه تعلیم و تربیت از حاکمیت دیوان سالاری آموزشی و تربیتی و نجات مراکز آموزشی از اقتدار اداری و ستادی ممکن نخواهد شد. تا وقتی ستادهای ملی و استانی و منطقه‌ای صرفاً با تکیه بر جایگاه‌های حقوقی دستگاه تعلیم و تربیت، خود را بالاترین مرجع ذیصلاح و همه‌کاره‌ی مدارس بدانند، نمی‌توان به کارکرد مطلوب مدرسه دست یافت.

- شاخص‌های "مدرسه‌ی زندگی" برای هر مدرسه‌ای و متناسب با شرایط و امکانات آن، می‌تواند به گونه‌ای جزئی‌تر و مصداقی‌تر تعیین شود. مهم آن است که اهداف متعالی تربیت دینی در راستای زندگی بخشیدن به متریان به خوبی فهمیده شود و در چارچوب اهداف کلی، باز تعریف دقیقی از مدرسه‌ی زندگی برای هر محیط و مرکز آموزشی به عمل آید. آنچه در تحقق مدرسه‌ی زندگی بیش از هر عاملی می‌تواند نقش اساسی داشته باشد، برانگیخته شدن انگیزه‌های تربیتی و الهی و احیاء هویت اصلی تعلیم و تربیت در مجموعه‌ی آموزش و پرورش است. فراهم نبودن شرایط در همه‌ی واحدهای آموزشی، نباید مانع تحقق نسبی اهداف در واحدها و مراکز توانمند باشد و روزمرگی‌های

آموزش و پرورش، نباید مانع ترسیم چشم‌اندازهای روشن برای تعالی نظام تعلیم و تربیت گردد.

- برنامه‌ی درسی ملی جمهوری اسلامی ایران در صورتی منشأ تحول مطلوب در محتوا و نظام برنامه‌ریزی درسی خواهد شد که بتواند شاخص‌های مدرسه‌ی زندگی و مبانی ارزشی آن را در عناصر برنامه‌ی درسی مورد ملاحظه قرار دهد. این که در برنامه‌ی درسی ملی تا چه حدی این رویکرد محقق شود، بیش از هر چیز به هم‌سویی و باور مشترک دست‌اندرکاران و زمینه‌سازی و همراهی برای چرخش‌های اساسی مورد نیاز بستگی دارد. البته سرمایه‌ی عظیم انسانی و معنوی آموزش و پرورش و حمایت و مطالبه‌ی رهبری نظام برای تحول بنیادین و ارتقای کارآمدی دستگاه تعلیم و تربیت، آینده‌ی روشنی را برای تحقق "مدرسه‌ی زندگی" ترسیم می‌نماید، مدرسه‌ای که بتواند زمینه‌ی تربیت نسلی متفکر، مؤمن، دانا، فعال و کارآمد و دارای ملکات فاضله اخلاقی را برای شکل‌گیری مدینه‌ی فاضله‌ی مهدوی فراهم سازد. ان‌شاءالله.

پی نوشت‌ها:

- ۱- ابتسام ابوضحی، مدیریت مدرسه محور، گروهی از مترجمان، انتشارات مدرسه، تهران، ۱۳۸۵.
- ۲- در برابر SBM که مخفف School – based management است.
- ۳- همان منبع، ص ۲۷-۲۸.
- ۴- ن. زابار، برنامه‌ریزی مدرسه محور، احمدرضا نصر اصفهانی، در مجموعه مقالات: محمود مهرمحمدی، برنامه‌ی درسی: نظرگاه‌ها، رویکردها و چشم‌اندازها، مشهد، به نشر، ۱۳۸۱.
- ۵- سوره بقره، آیه ۲۵۵.
- ۶- سوره اسراء، آیه ۴۴.
- ۷- مثنوی معنوی، دفتر سوم.
- ۸- سوره انفال، آیه ۲۴.
- ۹- مقام معظم رهبری حضرت آیت الله خامنه‌ای در دیدار با فرهنگیان، ۸۷/۲/۱۲، شیراز.
- ۱۰- سوره نحل، آیه ۹۷.
- ۱۱- سوره حدید، آیه ۲۰.
- ۱۲- برای آگاهی بیش‌تر، ر.ک: حسنعلی علی اکبریان، ارزش دنیا، کانون اندیشه جوان، ۱۳۸۰ و نیز اسدالله جمشیدی، نگاهی قرآنی، حیات معنوی، کانون اندیشه جوان، ۱۳۸۲.
- ۱۳- نهج البلاغه، خطبه ۵۱.
- ۱۴- زیارت عاشورا، مفاتیح الجنان.